

عنوان مقاله: رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز

نویسندگان: حبیب احمدلو، عماد افروغ

منبع: فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳ پاییز ۱۳۸۱

صص ۱۰۹-۱۴۳

چکیده:

- هدف اصلی این مقاله بررسی تجربی رابطه هویت ملی و قومی در بین جوانان تبریز است. این که جوانان تبریز تا چه میزانی به هویت ملی پایبند هستند و چه میزانی از هویت قومی را دارا هستند و چه رابطه ای بین این دو نوع هویت جمعی متصور است. در این تحقیق برای سنجش میزان هویت ملی از مولفه هیا آن مانند گرایش به زبان و ادبیات فارسی، میراث فرهنگی ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی استفاده شده است..

دو نوع هویت جمعی

- همچنین برای سنجش میزان هویت قومی از مولفه هایی نظیر گرایش به زبان و ادبیات ترکی، موسیقی ترکی، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که جوانان تبریز در عین گرایش به هویت ملی نسبت به هویت قومی نیز گرایشی قوی دارند و بین این دو نوع هویت جمعی، رابطه مثبت برقرار است

**گرایش به زبان و ادبیات ترکی، موسیقی ترکی، گرایش به تاریخ قومی و
وابستگی قومی**

کلید واژه ها:

- هویت، هویت جمعی، هویت ملی، هویت قومی، هویت ایرانی، هویت ترکی، جوانان، تبریز.



مقدمه

- مضمون اصلی این مقاله تمایزیافتگی یا تفاوت های درون جامعه و ارتباط آن با وفاق اجتماعی، یکی از اساسی ترین و در عین حال پرمناقشه و جدال انگیز ترین موضوعات جامعه شناسی است که از بدو پیدایش آن تا زمان حاضر بخش بزرگی از کارهای جامعه شناختی را به خود اختصاص داده است. در واقع دو مفهوم فوق یادآور مجادله نظم گرایان و ستیز گرایان است. مفهوم خرده فرهنگ ها و به ویژه در بعد ضد فرهنگ یا خرده فرهنگ معارض و فرهنگ ناسازگتار مورد هلاقه ستیز گرایان و مفهوم وفاق اجتماعی مورد علاقه نظم گرایان به طور عمده کارکردگرایان و نظم گرایان کلاسیک است (افروغ، ۱۳۷۹، ۷۳)

- جوامع بشری هر چند همواره دارای نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی هستند ولی افراد آن از نظر سنی، جنسی، شغلی، نژادی قومی و مذهبی متفاوت از همدیگرند و این تفاوت ها باعث ایجاد گروه های اجتماعی متنوعی در جوامع می شود. بنابراین هر جامعه ای جدا از فرهنگ عام و مورد قبول افراد و گروه های مختلف اجتماعی، برخوردار از خرده فرهنگ هایی متناسب با وضعیت گروهی خود است.

**جدا از فرهنگ عام و مورد قبول افراد و گروه های
مختلف اجتماعی**

- از مهم ترین وجوه تمایزیافتگی جوامع کنونی که در عرصه های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. تفاوت های قومی و شکل گیری گروه های قومی و هویت قومی و ارتباط آن با وفاق اجتماعی یا هویت ملی است.

وجوه تمایزیافتگی

- در حوزه علوم اجتماعی یکی از رویکردهای مسلط، دلالت بر وجود ارتباط معکوس بین میزان هویت قومی دارد. به این معنی که هر چقدر میزان هویت قومی افراد جامعه بیشتر شود، میزان هویت ملی و وفاق اجتماعی و میزان هویت ملی و میزان انطباق با فرهنگ کل کمتر خواهد شد و افزایش هویت های قومی تهدیدی برای وفاق اجتماعی و انسجام کل محسوب می شوند (میرمحمدی، ۱۳۷۴، ۷)

**میزان هویت ملی و وفاق اجتماعی و میزان
هویت ملی و میزان انطباق با فرهنگ کل**

- متوسل شدن به این تئوری در تحقیقات تجربی، نوعی تحمیل بر محقق وارد می کند که به موجب آن محقق مجبور است در بررسی میزان هویت ملی و هویت قومی، این دو را در مقابل هم قرار داده و به افراد مورد تحقیق اختیار انتخاب یکی از دو نوع هویت را بدهد. در حالی که در واقع فرد می تواند از هر دو نوع هویت ملی و قومی، در موقعیت های کنشی مختلف سود جوید.

دو نوع هویت ملی و قومی

• در این مقاله سعی بر این است که رابطه بین هویت ملی و قومی از دیدگاه دیگری مورد بررسی قرار گیرد، به این معنی که این دو را که در مقابل هم بلکه در کنار هم مطرح کرده و در بین جوانان تبریز مورد آزمون قرار دهد. بنابراین سوالاتی که در این مورد مطرح می شود به قرار زیر است:



- ۱- میزان گرایش به هویت قومی در بین جوانان ترک چقدر است؟
- ۲- میزان گرایش به هویت ملی در بین جوانان ترک چقدر است؟
- ۳- آیا بین میزان هویت قومی و میزان هویت ملی جوانان رابطه ای وجود دارد؟

۱- دیدگاه های نظری

۱-۱ هویت

- هویت کلمه ای است عربی که در زبان فارسی به جای واژه انگلیسی (Identify) به کار می رود. معین در فرهنگ فارسی تحت عبارت «هویت» معانی ای از قبیل «ذات باری تعالی»، «هستی و وجود» و «آنچه موجب شناسایی شخص می شود» را می آورد.

• ولی در کل هویت مفهومی است که در علوم مختلف دارای فضای مفهومی خاصی است. هویت در اصل «هو هویت» بود، و به معنی «این همانی» با «اتحاد به ذات» است. اتحاد به ذات به معنی انصاف و شناخته شدن و یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر است. زمانی که هویت پدیده ای به سخن می آید، باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به راستی گویای هیات و ماهیت وجودی خویش است. (الطایی، ۱۳۷۸: ۳۳)

صفات اصلی و جوهری مورد نظر

- هویت در علوم اجتماعی بیشتر از دیدگاه های جامعه شناسی خود و روانشناسی اجتماعی و به خصوص دیدگاه کنش متقابل نمادین و آرای دانشمندانی نظیر کولی، مید، روزنبرگ سرچشمه می گیرد و در دیدگاه اندیشمندانی مثل تاجفل، جان ترنر، پیتربورک، مک کال و دیگران توسعه می یابد.

- مید و کولی هر چند مستقما از هویت و هویت اجتماعی بحث نمی کنند ولی دیدگاه هایشان راجع به «خود»، «خود آینه سان» و «دیگری تعمیم یافته» مقدمات بحث در مورد هویت را فراهم می کنند چنان که گفته شد، هویت به معنی کیستی است و در روان شناسی اجتماعی به کیستی فرد اشاره می کند و در جواب سوال «من کیستم؟» مطرح می شود. در پاسخ به این سوال، فرد باید شناختی از خود و تصویری از خویشتن داشته باشد و نیز بداند که دیگران در مورد او چه تصویری دارند. بنابراین فهم هویت فرد به فهم «خود» و تصور از خود فرد وابسته است.

- گفته شد فرد با داشتن «خود» و توانایی کنش متقابل با خود، این توانایی را پیدا می کند که از خود تصویری داشته باشد. با تصور از خود است که فرد می تواند به سوال بنیادین هویت یعنی «من کیستم؟» پاسخ دهد. بر این اساس، می توان هویت را چنین تعریف کرد.
- هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه های مربوط به آنها که فرد آنها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و با یافتن تصوراتی از خود به دست می آورد و در جواب سوال «**من کیستم؟**» ارائه می دهد. هویت یک فرد می تواند فردی و جمعی باشد. هویت فردی به خصوصیات و مشخصاتی اشاره دارد که فرد به عنوان یک شخص منحصر به فرد و متفاوت


- از دیگر افراد جامعه، آنها را به خود منتسب می کند. در هویت فردی «من» در مقابل «دیگران» قرار می گیرد و تفاوت هایی که فرد با دیگران دارد آشکار می شود و باعث ایجاد احساسات و علائق خاصی در فرد می گردد. هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصات و تفکراتی اشاره می کند که فرد آنها را از طریق اشتراکات اجتماعی و عضویت در گروه ها و مقوله های اجتماعی کسب می کند.

• این گروه ها و مقوله ها شامل نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت، احزاب سیاسی و ... می شود. زمانی که یک فرد عضو یک گروه و مقوله ای می شود و یا از قرار گرفتن در یک مقوله ای آگاهی پیدا می کند. یک سری خصوصیات و ویژگی هایی را از آن به دست می آورد که در بین گروه با مقوله مورد نظر مشترک است، با گرفتن این خصوصیات فرد به آن گروه احساس تعلق می کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد «ما» در برابر «آنها» می شود.

۱-۲- نظریه هویت اجتماعی

- یکی از دیدگاه‌های معروف که درباره هویت بحث‌های جامعه‌شناختی ارائه داده است «نظریه هویت اجتماعی» است که توسط ترنر، هلام، ورکیوتین و دیگران توسعه داده شده است.
- «نظریه هویت اجتماعی در واقع دو نظریه مرتبط با هم ولی متفاوت را شامل می‌شود: نظریه هویت اجتماعی و نظریه خودمقوله‌بندی کانون نظریه هویت اجتماعی، ارتباطات بین‌گروهی و مخصوصاً سوگیری درون‌گروه و کشمکش اجتماعی است. در صورتی که نظریه خودمقوله‌بندی بر گروه‌روانشناختی و فرایندهای مرتبط با پیوستگی و تعاون و تاثیرپذیری اجتماعی بنیاد گرفته است (Turner and Haslam , 2001, 20)

- در واقع نظریه هویت اجتماعی در سطح گروهی و روابط گروه ها و چگونگی شکل گیری «ما» در مقابل «آنها» اشاره دارد. در حالی که نظریه خود مقوله بندی به چگونگی تعلق فرد به یک یا چند مقوله اجتماعی و یا گروه اشاره دارد. ولی هر دو نظریه در این تصور مشترک هستند که رفتار افراد به صورت کیفی به وسیله تعریف از خودشان به عنوان عضوی از گروه شکل می گیرد.



تصور
مشترک

- فرضیه اصلی تئوری مقوله بندی این است که هویت اجتماعی در بسیاری موارد قادر است مانع جهت گیری فرد به طرف هویت شخصی شود. ترنر با متمایز کردن هویت اجتماعی (تعریف خود از طریق عضویت در مقوله اجتماعی) و هویت شخصی (تشریح خود از طریق طرز تلقی ها و ایده های خصی) یک نظریه هویت اجتماعی رفتار گروهی را مطرح کرد (P321)

متمایز کردن هویت اجتماعی

هویت شخصی

- مردم خودشان را با عضویت در مقوله اجتماعی مشترک تعریف می کنند. در این جا تاکید ادراکی به مشابهت های درون گروهی و تفاوت های برون گروهی، در ابعاد مختلف وجود دارد. مردم خودشان و دیگران را با مقوله بندی اجتماعی برجسته کلشیه ای می کنند، که این کار به یک هویت ادراکی افزوده بین خود و اعضای درون گروه و یک تمایز ادراکی دیدگاه، تصور از خود فرد متمایل به غیر شخصی شدن است.

هویت ادراکی افزوده

- افراد علاقه دارند که خودشان را کمتر به عنوان اشخاص فردی متفاوت و بیشتر به عنوان عضو مقوله های اجتماعی مشترک ببینند و تعریف کنند. برای مثال یک مرد علاقه دارد خود را به عنوان مرد در مقابل زن مقوله بندی کند. بنابراین او متمایل است که به مشابهت های دیگر مردان تاکید کرده و تفاوت های ادراکی خود از زنان را بالا ببرد.

تفاوت های ادراکی

- بنابراین تغییرات «خود» و «تصور از خود» و رفتار آن فرد در صورت و محتوا غیرشخصی می شود (P:33) زمانی که هویت اجتماعی نسبت به هویت شخصی برجسته تر می شود، مردم خودشان را کمتر از طریق تفاوت های فردی، و بیشتر از طرق مشابهت های درون گروهی می بینند و این همان غیر شخصی سازی خود است.

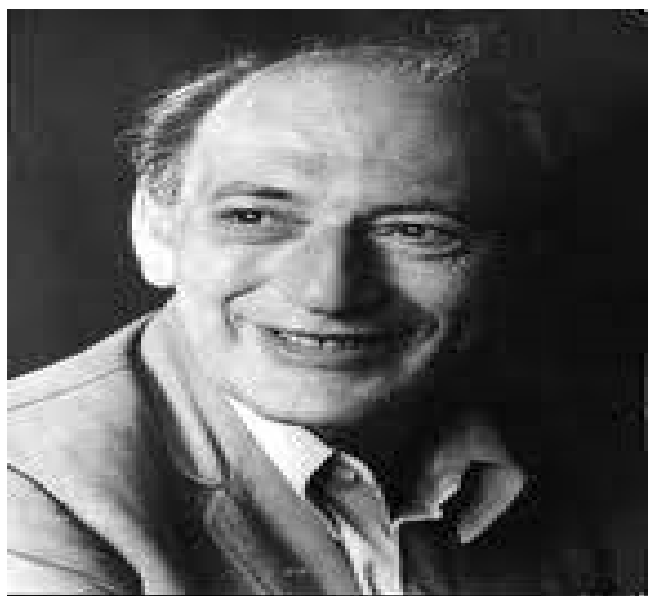
غیر شخصی سازی خود

• نظریه مقوله بندی در صدد اثبات این قضیه است که افراد در بسیاری مواقع سعی می کنند خود را با مشخصه های اجتماعی مقوله بندی کنند نه شخصی، و این مقوله بندی فرد با مشخصه های اجتماعی باعث ایجاد درون گروه مشابه و برون گروه متفاوت می شود. **قضیه کانونی این نظریه** این است که مردم خودشان را بیشتر به عنوان عضو گروه های اجتماعی و کمتر به عنوان اشخاص فردی، بیشتر جهت هویت اجتماعی و کمتر تحت هویت شخصی مقوله بندی می کنند. پس این دیدگاه به چگونگی تعلق یک فرد به یک مقوله اجتماعی تاکید می کند و این که چگونه با مقوله بندی اجتماعی و تشکیل درون گروه پایه های تشکیل یک گروه فراهم می شود.

- روی دیگر سکه هویت اجتماعی، نظریه هویت اجتماعی است که به روابط بین گروهی می پردازد. تاجفل و دیگران استنباط می کنند که مقوله بندی (ادراک منحصر به فرد از این که افراد به یک گروه و نه به گروه دیگر تعلق دارند) به تنهایی و تحت موقعیت های معین برای استنباط سوگیری بین گروهی کافی است (P. 27)
- مقوله بندی اجتماعی می تواند به طرفداری گروهی بینجامد و متغیرهایی که مقوله بندی اجتماعی را برجسته می کنند. در تبیین سوگیری از اهمیت خاصی برخوردارند (p. 27)

طرفداری گروهی

• این بدین مفهوم است که وقتی فرد به نوعی مقوله بندی دست پیدا کرده و پیش خود درون گروه را از برون گروه تشخیص داد، ارزیابی مثبتی از درون گروه خواهد داشت و یک نوع سوگیری مثلا در تقسیم منابع نسبت به گروه خود خواهد داشت.



• به نظر تاجفل (۱۹۷۸) مقوله بندی اجتماعی اجازه می دهد که درک کننده، محیط اجتماعی را به عنوان یک راهنمای عمل و مهم تر از آن یک سیستم جهت یابی برای خودارجاعی و ارائه یک تعریف برای جایگاه افراد در جامعه به وجود بیاورد. این تعریف خود از طریق شناخت اعضای گروهی اجتماعی، به وسیله تاجفل به عنوان هویت اجتماعی یک فرد تلقی شد که بخشی از تصور از خود افراد است و از دانش آنها نسبت به عضویتشان در یک گروه اجتماعی، که با یک ارزش و احساس پیوسته است، ناشی می شود.

هنری تاجفل

- تاجفل در صدد اثبات آن بود که مردم برای ارزیابی مثبت از خود، برانگیخته می شوند، تا حدی که اگر با عضو شدن در یک گروه به تصور از خودشان معنی دهند، آنها از آن گروه نیز ارزیابی مثبتی خواهند داشت. به عبارت دیگر مردم یک هویت اجتماعی را جست و جو می کنند و به دلیل این که ارزش عضویت در هر گروه به مقایسه دیگر گروه ها وابسته است هویت اجتماعی مثبت با ایجاد یک تمایز مثبت درون گروه از بیرون گروه پذیرفته می شود.

ارزیابی مثبت از خود

- به طور کلی نظریه هویت اجتماعی بر مقوله بندی اجتماعی استوار بوده و رفتار گروهی و تعلق گروهی را ناشی از آن می داند. مقوله بندی اجتماعی شرط کافی به وجود آمدن طرفداری از درون گروه در مقابل برون گروه است

مقوله بندی اجتماعی

- طبق دیدگاه نظریه هویت اجتماعی، مقوله بندی در سطوح مختلف انتزاع وجود دارد. این نظریه بر این واقعیت تاکید می کند که مقوله بندی یک فرایند پویا و وابسته به متن است که به وسیله روابط مقایسه ای یک متن معین، تعیین می شود. در مقوله بندی همیشه تفاوت بین گروهی بیشتر از تفاوت درون گروهی است.

- برای مثال، ما ممکن است افراد را در یک متن مقایسه ای به عنوان استرالیایی ها و آمریکایی ها است. تاکید روی مقوله بندی به عنوان متغیر وابسته به متن، وابستگی متنی تشابهات و تفاوت های مشاهده شده را نیز ایجاب می کند. زیرا این تشابهات و تفاوت ها از نتایج مقوله بندی است. بنابراین اصل افرادی که در یک متن به صورت متفاوت درک و مقوله بندی شده اند بدون این که تغییری در موقعیت آنها ایجاد شود می توانند در یک متن دیگر به صورت مشابه درک و مقوله بندی شوند (P.34)

یک متن مقایسه ای

- افراد خود را در سطوح و لایه های مختلف اجتماعی مقوله بندی می کنند و این تغییر سطح مقوله بندی باعث می شود که فرد آنچه را که در یک لایه، خود و گروه خود را متفاوت از دیگران می بیند، در یک سطح دیگر به تشابهات شان با آنها پی ببرد. از این مباحث می توان دو نتیجه گرفت.

سطوح و لایه های مختلف اجتماعی

• **اولا** چون مقوله بندی در متن های اجتماعی مختلفی می صورت می گیرد، فرد در هر متن اجتماعی یک هویت اجتماعی خاص کسب می کند. بنابراین فرد دارای هویت های متنوعی می شود، بدون این که این هویت ها در تضاد با هم باشند. **ثانیا** تشکیل درون گروه در لایه های اجتماعی مختلف بر اساس مقایسه با برون گروه های همان لایه اجتماعی صورت می گیرد. مثلا وقتی فرد خود را از لحاظ قومی مقوله بندی می کند، تشکیل یک درون گروه قومی بر اساس مقایسه با اقوام دیگر به وجود می آید، نه لایه های اجتماعی بالاتر.

۳-۱- هویت ملی و مولفه های آن

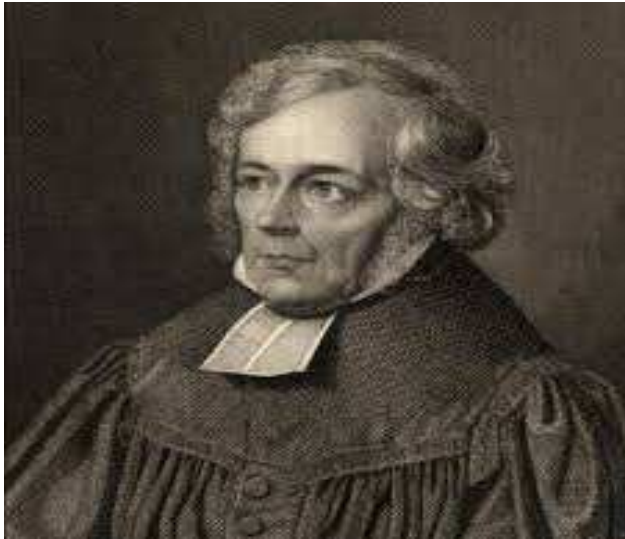
- هویت ملی به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، زاده عصر مدرن اروپا است که از قرن ۱۷ آغاز می شود. این مفهوم اواخر قرن نوزدهم و مخصوصاً بعد از دو جنگ جهانی به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته راه پیدا کرده است. هویت ملی با شکل گیری ملت به معنای امروزی آن، پدید آمد.

● واژه ملت در زبان فارسی دارای معانی مختلفی است. گاهی به معنای دین و گاهی به معنای پیروی کنندگان دین به کار می رود و مترادف با واژه است، گاهی نیز به معنی گروه و قوم به کار می رود. این واژه در زبان فارسی معادل انگلیسی Nation است. Nation از واژه لاتینی Natio مشتق شده است. این واژه دلالت بر مردمانی دارد که از راه ولادت با همدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله اند. ولی این تعریف در جریان شکل گیری دولت-ملت های مدرن تغییر یافته است، زیرا حوادث تاریخی مردمانی را که از اقوام گوناگونی بوده اند گرد هم آورده و از آن یک ملت به وجود آورده است (اشرف، ۱۳۷۲، ۸)

حوادث تاریخی

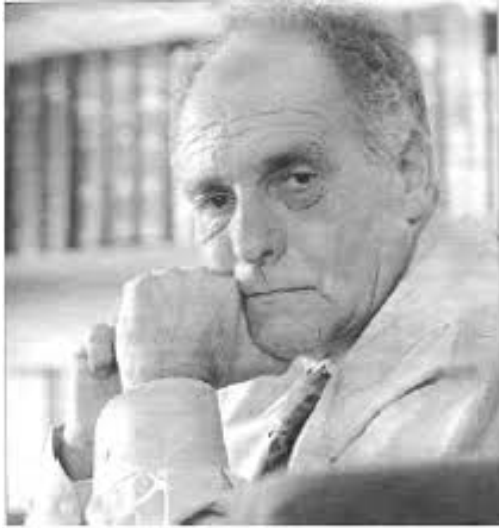
- بنابراین دیگر نمی توان ملت را بر مبنای نژاد و تبار شناسایی کرد. چون مللی چند نژادی و چند تباری به وجود آمده است.
- اندیشمندان و متفکران منشاء های مختلفی را برای ملت و تشکیل ملت قایل هستند. برخی از آنها بر یک یا چند بعد خاص از ملت و برخی دیگر به ابعاد دیگری از ملت تاکید می کنند. به دلایل فوق تعاریف گوناگونی از ملت وجود دارد.

منشاء های مختلف



• شلاير ماخر با این عقیده که ملت پدیده ای طبیعی است، از ملت به عنوان نوعی تقسیم بندی طبیعی از نژاد انسان، که خداوند اخلاقیات خود را به آن اعطاء نموده، یاد می کند. او اعلام می دارد که سرنوشت هر ملتی این گونه رقم خورده است که از طریق سازماندهی و مکان اختصاصی خود در جهان وجهی از تصویر الهی را به نمایش گذارد (گیبرنا، ۱۳۷۸، ۸۳)

فردریش شلايرماخر



ارنست گلنر

• بسیاری از اندیشمندان ملت را پدیده ای مدرن می دانند. مثلاً ارنست گلنر ملت و ناسیونالیسم را به عنوان نتیجه منطقی برخی از جنبه های مدرنیزاسیون تلقی می کند و معتقد است که این پدیده با ظهور جامعه صنعتی مرتبط است. گیدنز نیز ملت و ناسیونالیسم را به عنوان نتایج خاص دولت های مدرن تلقی می کند و ظهور ناسیونالیسم را به اواخر قرن هجدهم و بعد از آن نسبت می دهد. اندرسن نیز ادعا می کند که ملیت یا ملت بودن و ملی گرایی آثار باستان فرهنگی هستند که هر دو در اواخر قرن هجدهم میلادی ایجاد شده اند. (ص ۸۴)

- گیبرنا معتقد است که هر دو دیدگاه دارای نقایصی است. دیدگاه های مبتنی بر طبیعی بودن ملت، تمامی گونه های گروه های بشری را در قالب ملت هایی که در زمان های اولیه وجود داشته اند طبقه بندی می کنند و دیدگاه هایی که از مدرن بودن ملت دفاع می کنند. از ریشه های مختلف اجتماعات قومی که خود را به صورت ملت ها متحول نموده اند و بعدها احتمالا به **دولت - ملت** تبدیل شده اند، غافل مانده اند (ص ۸۴)

- او ملت را نه طبیعی می داند و نه کاملاً مدرن، بلکه آن را پدیده ای می داند که در طول تاریخ تکوین می یابد. او برای اثبات نظریه اش به چگونگی شکل گیری دولت ها در اروپای غربی پس از فروپاشی امپراتوری کارولین، می پردازد(ص ۸۵)

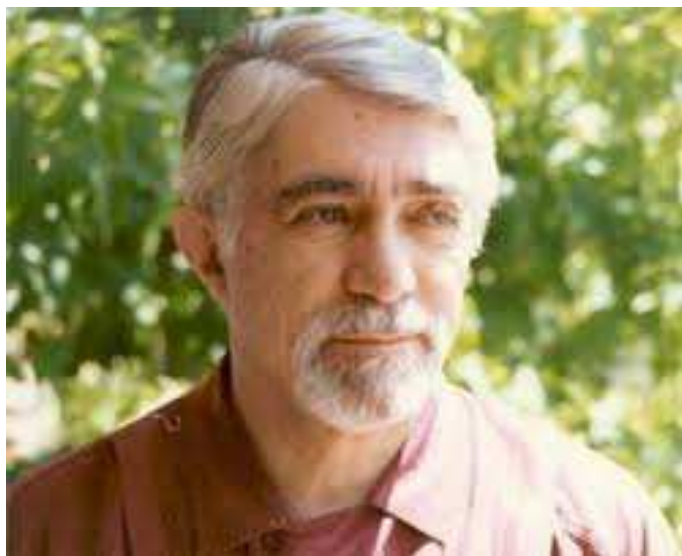
شکل گیری دولت ها در اروپای غربی

• تعریف گیبونا از ملت چنین است: «ملت یک گروه انسانی است که از تشکیل اجتماع خودآگاه است، گذشته ای مشترک و طرحی برای آینده و ادعای حق حاکمیت بر خود را دارد. از این رو ملت شامل پنج بعد اصلی است. بعد روان شناسانه (آگاهی از تشکیل گروه)، بعد فرهنگی، بعد سرزمینی، بعد سیاسی و بعد تاریخی (ص ۸۱)

۱- گذشته ای مشترک
۲- طرحی برای آینده
۳- ادعای حق حاکمیت بر خود

- بر اساس تعریف که از ملت ارائه شد، هویت ملی نیز به مشخصات و ویژگی هایی گفته می شد که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می کند و در جامعه نوعی انسجام کلی ایجاد می کند. این مشخصات و ویژگی هایی را می توان از درون تعریف ملت به دست آورد. هویت ملی عبارت است از ویژگی هایی که ابعاد پنج گانه ملت، در هر جامعه خاص به خود می گیرد. مثلاً بعد روان شناختی مخصوص یک ملت و نظام سیاسی و ویژگی ها و انتقادات تاریخی یک ملت، هویت ملی آن ملت را تشکیل می دهد.

- در مورد مولفه های هویت ملی، اندیشمندان حوزه های مختلف علوم انسانی، دیدگاه های متفاوتی دارند. در حالی که در جغرافیا «**سرزمین مشترک**» و تاریخ مشترک مولفه های اساسی هویت ملی تلقی می شوند، در علوم سیاسی تکیه را بر ساختار سیاسی مشترک، ملیت و یا جامعه مدنی بومی می گذارند. در علوم اجتماعی زبان مشترک، دین مشترک و آداب و سنن مشترک را عناصر اصلی هویت ملی محسوب می کنند. در فلسفه بیشتر به وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک تاکید می شود و در روان شناسی اجتماعی نیز به هویت «**ما**» و احساسات مشترک و آگاهی جمعی توجه می شود. اینک مروری بر دیدگاه های چند نویسنده در مورد ابعاد و مولفه های هویت ملی خواهیم داشت.



نادر نادرپور، شاعر

● نادر نادرپور پیوندهای خاکی، پیوندهای خونی و پیوندهای فرهنگی را سه ستون اصلی کاخ ملیت می داند. به نظر ایشان ستون پیوندهای خاکی شامل تاریخ، جغرافیا و دولت می شود. ستون پیوندهای خونی از ریشه و نژاد و تبار ترکیب می یابد و زبان و هنرها و اداب و رسوم عناصر سه گانه پیوندهای فرهنگی هستند. او در نهایت عامل زبان را که جزئی از پیوندهای فرهنگی است، عامل تفاهم در میان آدمیان می داند معتقد است که زبان با نیرو گرفتن از ترکیب پیوندهای سه گانه خاکی، خونی و نژادی هویت ملی را می سازد.
(نادرپور، ۱۳۷۳، ۴۴۲-۴۲۱)

• نگارنده (افروغ) هویت ملی را به تبع سطوح چهارگانه هویت متشکل از چهار سطح می داند: سطح جهان بینی و ایدئولوژی، سطح ارزش ها سطح هنجارها و سطح نمادها. ایشان سطح جهان بینی و ایدئولوژیک را مهم ترین بعد هویت ملی می داند چرا که تنها این سطح است که می تواند با توسل به احساس و عاطفه، انسجام اجتماعی ایجاد کند و میان اعضا پیوندی برقرار کند و اعضای جامعه را نسبت به جامعه متعهد کند. ایشان از دیدگاه فرهنگی به هویت ملی نگاه می کند و عامل اصلی هویت سازی ملی را عامل فرهنگی می داند. وی از دیدگاه هایی که مولفه اساسی هویت ملی را نژاد و خون و تبار می داند به شدت انتقاد می کند(افروغ، ۱۳۸۰، ۱۷)

سطح جهان بینی و ایدئولوژیک

- شاپور رواسانی با رد بنیادهای نژادی و خونی هویت ملی و همچنین قبول نکردن تکیه بر تنها بعد فرهنگی، ادعا می کند که مساله هویت دارای بعد اقتصادی هم هست و نمی توان آن را صرفاً یک مساله با مقوله با پیره فرهنگی و یا سیاسی دانست. او هویت ملی را ترکیبی از عناصر دینی، تاریخی و طبقاتی می داند. از آن جا که تلقی و تفسیر طبقات مختلف اجتماعی از جنبه های اقتصادی، تاریخی و دینی متفاوت و متأثر از خواست ها و منافع طبقاتی آنان است، ترکیب اجتماعی هویت ملی در طبقات مختلف متفاوت است (رواسانی، ۱۳۸۰، ۷)

رد بنیادهای نژادی و خونی هویت ملی

- اگر دیدگاه رواسانی را بپذیریم، می توانیم استنباط کنیم که در یک دوره خاص از یک جامعه برداشت ها و تلقی های متفاوتی از هویت ملی وجود دارد که این تفاوت ناشی از وجود طبقات مختلف در جامعه است.



استنباط

- شیخاوندی نیز در بررسی مولفه های هویت ملی به عوامل همگرا یعنی عواملی که افراد و اعضای یک جامعه را به همدیگر پیوند می دهد، تاکید می کند. او **عوامل همگرای فرهنگی سیاسی** را تحت عناوین ذیل تقسیم بندی می کند:
- هم کشوری به مثابه عامل همگرایی وحدت سرزمین
- هم زمانی (ساعت یکسان و مبداء تاریخی یکسان) به مثابه عامل همگرا
- هم دولتی و هم قانونی مظهر تجلی برابر انتزاعی آماده ملت
- هم زبانی و هم خطیف ملاط پیوند دهنده اقوام ایرانی

- هم‌کیشی و هم‌آئینی
- پول واحد عامل وحدت‌گرایی اقتصادی - فرهنگی
- وحدت‌مقیاس‌های اندازه‌گیری
- شناسنامه واحد شهروندان
- پرچم و سرود ملی تجلی‌نمادین یگانگی ملی (یخاوندی، ۱۳۸۰، ۶۲-۶۵)

- برخی از عوامل که شیخاوندی به عنوان عوامل همگرا تلقی می کند می تواند در یک کشور عامل اصلی تنازعات قومی شود. مثلا زبان و دین، ما در سطح جهان شاهد جوامعی هستیم که دارای انواع زبان های مختلف و ادیان هستند و در برخی موارد باعث تنازعاتی در همان جوامع شده اند.

- ضیاء صدر هویت ملت را از دو جنبه بررسی می کند: **جنبه سلبی**: یعنی مقوله هایی که هویت ملی به آنها وابسته نیست و با تغییر و یا حذف آنها هویت ملی پابرجا می ماند. از این نظر امروزه هویت ملی ماوراء مقوله های زیراست: نژاد، تبار، جنسیت، قومیت، دین، زبان، طبقات. چرا که با حذف این موارد، هویت ملی متزلزل نمی شود و از بین نمی رود.

● **جنبه ایجابی** که با تغییر یا حذف آن مقوله ها: هویت ملی یا از بین می رود یا خدشه دار می شود و یا تغییر یا حذف آن مقوله ها، هویت ملی یا از بین می رود یا خدشه دار می شود و یا تغییر ماهیت می دهد. به عبارت دیگر این عوامل اساس هویت ملی را تشکیل می دهند و به قرار زیرند. سرزمین مشترک، منافع اقتصادی و تولیدی و پول مشترک دولت مشترک، حقوق و نهادهای مشترک احساس روان شناختی مشترک در تعلق به آن منافع مشترک و در دفاع از آنها (صدر، ۱۳۷۷، ۷۰)

- صدر از جمله اندیشمندانی است که بسیار محتاطانه به هویت نگاه می کند. او به دلیل اینکه اکثر جوامع را جوامعی از لحاظ فرهنگی متنوع و متکثر می داند. در بررسی هویت ملی به عناصری اشاره می کند که این تنوع و تکثر حفظ شود، و به عبارت دیگر عناصری ماورای این تنوع را به عنوان مولفه های هویت ملی انتخاب می کند و از به کار بردن مولفه هایی که جامع و مانع نیستند- مثل دین که مانع نیست و زبان که جامع نیست- خودداری می کند.

مولفه های هویت ملی

- در بررسی ابعاد و مولفه های هویت ملی باید چند نکته اساسی را در نظر گرفت. **اول** اینکه نمی توان تنها از یک مولفه به عنوان تنها مولفه هویت ملی صحبت کرد. بلکه هویت ملی تلفیقی از مولفه های گوناگون فوق می باشد و در بین ملل مختلف این ترکیب و تلفیق متفاوت است.

- **دوم** این که چون ما با ملت هایی روبرو هستیم که به طور کلی از لحاظ فرهنگی متکثر و متنوع هستند، مولفه های هویت ملی در جوامع مختلف می تواند کاملاً متفاوت باشد مثلاً در کشورهای که از لحاظ دینی یا زبانی نوعی همگونی وجود دارد، یعنی همه افراد آن جامعه از یک دین پیروی می کنند و یا به یک زبان صحبت می کنند، این دین یا زبان می تواند یکی از مولفه های اصلی هویت ملی آن جامعه تلقی شود، زیرا موجبات پیوند افراد جامعه را فراهم می کند. ولی در جوامعی که از نظر دینی و زبانی ناهمگون هستند و ادیان و زبانهای مختلفی در بین اعضای آن جوامع رایج است. تاکید بر دین یا زبان به عنوان مولفه های هویت ملی علاوه بر این که نتیجه مثبت ندارد، انسجام و یکپارچگی جامعه را به خطر می اندازد لذا در این گونه جوامع نمی توان دین و زبان را به عنوان مولفه های هویت ملی تلقی کرد.

- **سومین** نکته ای که باید توجه کرد این است که مولفه های هویتی در دوره های مختلف تاریخی تغییر می کند هر چند ای تغییر می تواند تغییر سطحی باشد نه بنیادی.
- با توجه به موارد فوق در این تحقیق برای اندازه گیری گرایش به هویت ملی، از مولفه های هویت ملی که هر کدام از آنها از گویه های چند تشکیل شده اند سود جستیم. مولفه های گرایش به هویت ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی می شود. وابستگی ملی به میزان علاقه فرد به ایران و ایرانی و تعهد و التزام عملی و نظری نسبت به آن است و گرایش سیاسی به میزان تعهد فرد در آگاهی به مسائل سیاسی ملی روز و میزان مشارکت سیاسی که از شرکت در رای گیری تا شرکت عملی در سیاست تغییر می کند اشاره دارد.

۴-۱ هویت قومی و مولفه های آن

- قویت قومی یکی دیگر از انواع هویت جمعی است که به مجموعه مشخصات و ویژگی های اطلاق می شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می کند و بین اعضای قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آنها را منسجم می کند هویت قومی در سطح پایین تر از هویت ملی یا جامعه ای قرار دارد.
- هویت قومی با مفاهیم هم خانواده اش همچون «گروه قومی» و «قومیت» در هم تنیده شده است، به طوری که بدون تعریف و شناسایی آنها فهمیدن هویت قومی نیز سخت می شود.

- قومیت واژه ای است که به طور فزاینده از دهه ۱۹۶۰ تاکنون برای تفاوت های انسانی در حیطه فرهنگ، سنت، زبان، الگوهای اجتماعی و تبار به کار برده می شود. کاربرد این واژه با بی اعتباری نظریه نژادی که انسان را درون نوع های زیستی با تعیین ژنتیکی ثابت مفروض می داشت، بیشتر شد.

حیطه فرهنگ، سنت، زبان، الگوهای اجتماعی و تبار

- واژه قوم (Ethnic) از واژه یونانی Ethnos به معنی ملت آمده است. در انگلیسی اولیه ، کاربرد واژه Ethnic به تفاوت های فرهنگی ملت های مشترک بر می گردد. برخی از معاصران قومیت را برای شناسایی گروه های ملی در اروپا به کار می برند. ولی اعتراض های قومی مثل اعتراض «باسک ها» خط بین گروه قومی و ملیت را آشکار می کند.

- اشرف و همکارانش قومیت و گروه قومی را چنین تعریف می کنند:
- «تجمعی در درون یک جامعه بزرگ با داشتن تبار مشترک واقعی یا مقروض (داشتن یک حافظه مشترک تاریخی، با سرچشمه ها با تجارب تاریخی مانند استعمار ف مهاجرت، تهاجم و یا بردگی) یک آگاهی مشترک از هویت قومی مجزا، و یک کانون و منبع فرهنگی در یک یا چند عنصر نمادین که به عنوان خلاصه ای از مردم بودن آنها تعریف شده است. این مشخصات فرهنگی همواره نسبت به زمان و مکان معین که گروه قومی تجربه می کنند. در یک ترکیب پویا خواهند بود» (Ashcraeft and Grifith and Tiffin, 1998, 84)

- مشخصه اصلی این تعریف کارکرد عناصر نمادین است که ممکن است به یک معنی تعلق قومی را ایجاد کند. مثال هایی از برخی عناصر نمادین بدین قرارند: الگوهای خانواده، نزدیکی فیزیکی، پیوستگی مذهبی، اشکال زبانی به گویشی، پیوستگی قبیله ای، ملیت، مشخصات فیزیکی، ارزش های فرهنگی و فعالیت های فرهنگی مثل هنر و ادبیات موسیقی، در زمان ها و مکان های مختلف ترکیب های مختلفی از این عناصر در تهیه یک معنی از قومیت می تواند نقش داشته باشد (P 84)

کارکرد عناصر نمادین

• از منظر دیگر اریکسن عقیده دارد که تفاوت فرهنگی بین دو گروه مشخصه قطعی هویت نیست. دو گروه می توانند از لحاظ فرهنگی یکسان باشند ولی دو گروه متفاوتی را تشکیل داده باشند و برعکس. مثلاً دو گروه درون همسر متفاوت در کی محل ممکن است به طور وسیعی از زبان و مذهب و اعتقادات و حتی فن آوری متفاوت باشند، اما این ضرورتاً بدین معنی نیست که یک ارتباط قومی بین آنها موجود باشد (Eriksen, 1993:11)

• برای به وجود آمدن گروه قومی، گروه باید حداقلی از برخورد با دیگر اقوام را داشته باشد. و اعضای گروه باید ایده های گروه های دیگر را به عنوان تفاوت های فرهنگی از سنت خودشان نگاه کنند. اگر این شرایط نباشد قومیت وجود ندارد. برای قومیت یک ارتباط اجتماعی ویژه بین عاملانی است که خودشان را به لحاظ فرهنگی از اعضای گروه های دیگر که با آنها حداقلی از **کنش متقابل منظم** را دارند، متفاوت می بینند. همچنین قومیت می تواند به عنوان هویت اجتماعی (ناشی از یک تمایز و تفاوت با دیگران) به وسیله خویشاوندانی افسانه ای یا استعاری تعریف شده باشد گروه های قومی تمایل دارند که اسطوره هایی از سرچشمه مشترک داشته باشند (P 12)

اسطوره هایی از سرچشمه مشترک

• می توان گفت به نظر اریکسون، مولفه های فرهنگی از عناصر لازم قومیت و هویت قومی هستند ولی کافی نیستند. برای ایجاد قومیت و هویت قومی آگاهی از این عنصر فرهنگی و ارتباط با دیگر گروه های قومی نیز ضروری است. تا گروه در کنش متقابل با دیگران نباشد و تا زمانی که در این کنش متقابل به تفاوت های خود و دیگران آگاه نشده باشد، گروه قومی به وجود نمی آید.

• استیو فنتون از دو عنصر نمادین و مادی قومیت بحث می کند و آن را ناشی از زمینه های تباری و اجدادی و زبانی و فرهنگی می داند که نسل های قبلی گرفته شده اند، گذشته ای که در آن حوادث و وقایع معین و مشخص به خاطر سپرده شده و بقیه به فراموشی سپرده می شوند. این نوع تاریخ برای درک و شعور تاریخ و مقصدی مشترک در جوامع قومی ، یک منبع قوی خواهد بود.

دو عنصر نمادین و مادی

• **ویژگی چهارم** فرهنگ مشترک است که نسبت به موارد فوق متنوع تر است این اجزاء فرهنگی شامل لباس، غذا، موسیقی، حرفه ای، معماری همچنین مقررات، آداب و رسوم و نهادها می باشد. معمول ترین اجزای فرهنگ مشترک زبان و مذهب است.

• **ویژگی پنجم** پیوند با یک سرزمین مشخص و معین است. آنچه که برای قومیت از اهمیت حیاتی برخوردار است. حس وابستگی به یک سرزمین حتی از مسافت و فاصله دور استف آخرین عنصر در تعریف هویت قومی همبستگی و وحدت منافع است(ص ۱۸۶)

- هویت قومی از ترکیب متنوع مولفه های قومیت به وجود می آید و حتی در بسیاری از موارد تنها یک مولفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می شود. بنابراین در بین اقوام مختلف مولفه های قومیت متفاوت بوده در هر گوره قومی، هر یک از مولفه ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند.
- آنچه جوانان تبریز را از سایر ایرانیان متمایز می کند نه در لایه های زیرین هویت یعنی طرز تفکر و جهان بینی بلکه لایه های رویین آن نمادهای کلامی و غیر کلامی مانند زبان و موسیقی نهفته است.

- بر این اساس در این تحقیق برای اندازه گیری گرایش به هویت قومی جوانان تبریز از چند مولفه که هر کدام از آنها از گویه هایی چند شکل شده اند، سود جستہ ایم. این مولفه ها شامل گرایش به زبان و ادبیات قومی (زبان ترکی)، گرایش به نمادهای غیر کلامی (موسیقی سنتی ترکی)، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی است.

۲- جامعه آماری و نمونه آماری

- جامعه آماری این تحقیق کلیه جوانان ترک زبان ۲۰ الی ۳۰ سال شهر تبریز می باشد. بر اساس امار اخذ شده از سازمان مدیریت و برنامه ریزی طبق سرشماری ۱۳۷۵ کل جمعیت این دوره سنی حدود ۲۵۳/۹۷۶ نفر می باشد. از بین این تعداد ۳۸۰ نفر به صورت تصادفی برای انجام تحقیق نمونه گیری شدند.

۳- یافته های تحقیق

- چنانکه اشاره شد، میزان هویت ملی با احساس تعلق و وفاداری و وابستگی افراد به اجتماع ملی و همچنین میزان هویت قومی با احساس تعلق و وابستگی فرد به اجتماع محلی و قومی با استفاده از چند مولفه مورد سنجش قرار گرفتند که هر یک از این مولفه ها از چندین گویه تشکیل شده اند.

- برای آزمون روایی پرسشنامه و استاندارد کردن گویه ها ابتدا یک پیش آزمون از آن به عمل آمد و گویه ها و سوالات زاید حذف شدند. برای آزمون روایی گویه ها از آلفای کرونباخ که در واقع همبستگی درونی گویه ها را مورد آزمون قرار می دهد استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ از صفر تا یک تغییر می کند و هر چه این ضریب به یک نزدیک تر باشد نشان دهنده میزان بالاتری از روایی گویه ها است، معمولا کمترین حد قابل قبول ضریب آلفای کرونباخ ۰.۴ می باشد.

- جداول شماره های ۱ و ۲ به ترتیب گویه های مولفه های هویت ملی و هویت قومی را به نمایش گذاشته اند. نتایج نشان می دهند که به جز گویه های زبان و ادبیات ملی که ضریب روایی آن ۰/۴۱ است و در حد ضعیف اما قابل قبول می باشد. ضریب روایی دیگر گویه ها در حد متوسط و اکثر قوی هستند.

۱-۳-آماره های هویت ملی و مولفه های آن

- جدول شماره ۳ میزان گرایش پاسخ گویان به هویت ملی و مولفه های آن را به نمایش گذاشته است. باید توجه داشت باشیم که نمره هر یک از مولفه ها به دلیل آنکه از ترکیب گویه های مختلف به دست آمده است در سطح فاصله ای بوده است. بر این اساس در جدول فوق میانگین، حداقل، حداکثر، و انحراف معیار مولفه ها آمده است و سپس برای ایجاد امکان مقایسه بهتر، هر یک از مولفه ها به صورت رتبه ای مرتب شده اند. برای تبدیل سطح اندازه گیری فاصله ای به رتبه ای، بر اساس حداقل و حداکثر نمرات آنها به **پنج سطحی خیلی قوی، قوی، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف** تبدیل شدند.

● چنانکه در جدول شماره ۳ مشاهده می شود در بین مولفه های مختلف هویت ملی، قوی ترین گرایش مربوط به وابستگی ملی می باشد. ۸۴/۷ درصد از پاسخ گویان گرایشی قوی و خیلی قوی به این مولفه دارند. میانگین وابستگی ملی پاسخ گویان (۱۲/۴۵) نیز با توجه به حداقل و حداکثر نمرات نشانگر قوی بودن این گرایش است. وابستگی ملی به میزان گرایش جوانان تبریز به سایر اقوام ایرانی و عشق و علاقه آنان به سرزمین ایران و لزوم دفاع از آن در برابر هجوم دشمنان و احساس غرور از ایرانی بودن را نزد فرد می رساند. این نمرات نشانگر بالا بودن این نوع علاقه و احساسات در بین جوانان تبریزی است.

- از طرف دیگر ضعیف ترین گرایش مربوط به مولفه زبان و ادبیات ملی (فارسی) می باشد. تنها ۲۶/۱ درصد پاسخگویان گرایشی قوی و خیلی قوی به این مولفه دارند و این در حالی است که ۲۹/۴ درصد گرایش ضعیف و خیلی ضعیف به مولفه زبان و ادبیات ملی دارند.

• ضعف گرایش به زبان وادبیات ملی به احتمال زیاد از دو علت ناشی می شود. اول این که زبان مهم ترین مولفه هویت در بین آذری های ایران است و فرد در فرایند هویت یابی از طریق زبان به تشابهات درون گروهی و تفاوت هایش با برون گروه پی می برد و ارزیابی مثبتی از گروه خود و مولفه هایش به عمل می آورد نسبت به برون گروه و مولفه هایش ارزیابی منفی دارد. از طرف دیگر به خاطر برنامه های همانند سازی در دوران پهلوی و عدم توهم به حقوق اقوام در آن دوران، زبان فارسی نه به عنوان زبان ملی و مشترک بلکه به عنوان زبان قوم مسلط تلقی شده و نگرش منفی نسبت بدان ایجاد شده است. دومین علت ضعف گرایش جوانان به زبان و ادبیات ملی به **ترجیح یک زبان بین المللی** نسبت به زبان ملی از طرف جوانان بر می گردد.

ضریب روایی	تعداد گویه ها	گویه ها	مولفه های هویت ملی
۰/۴۱۱	۵ گویه	<ul style="list-style-type: none"> • لوازم یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان مشترک • ترجیح زبان فارسی به زبان های دیگر جهان • آشنایی فرد با آثار جاویدان ادب فارسی • داشتن آثار فوق در منزل • میزان مطالعه آن آثار 	زبان و ادبیات ملی (زبان فارسی)

ضریب روایی	تعداد گویه ها	گویه ها	مولفه های هویت ملی
۰/۶۲	۶ گویه	<ul style="list-style-type: none"> • علاقه و اعتقاد به مراسم ملی مثل عید نوروز و... • علاقه به موسیقی سنتی • احترام به سرود و پرچم ملی • اهمیت شناخت تاریخ ایران • افتخار نسبت به گذشته تاریخی • اهمیت مرمت آثار تاریخی 	میراث فرهنگی ملی

شرب روایی	تعداد گویه ها	گویه ها	مولفه های هویت ملی
۰/۷	۷ گویه	<ul style="list-style-type: none"> • آمادگی فرد برای دفاع از میهن • علاقه فرد به زندگی در ایران • اهمیت کلیت و یکپارچگی میهن نزد فرد • میزان درون فکنی مشکلات کشور توسط فرد • اهمیت ایرانی بودن نزد فرد • میزان احساس غرور فرد از ایرانی بودن • علاقه فرد به رابطه با سایر ایرانیان 	وابستگی ملی

ضریب روایی	۷ گویه	گویه ها	مولفه های هویت ملی
۰/۶۶	۷ گویه	اعتقاد فرد به وابستگی دین و سیاست	گرایش دینی
		قبول دین اسلام به عنوان دین رسمی	
		اهمیت عناصر دینی در زندگی روزمره	
		ضرورت برپایی مراسم دینی	
		میزان مشارکت فرد در مراسم دینی میزان داشتن کتب دینی در منزل	
		میزان مطالعه آنها	
		میزان تاثیر دین در رفتار انسان از نظر فرد	

ضریب روایی	تعداد گویه ها	گویه ها	مولفه های هویت ممولفه های هویت ملی
۰/۶۶	۳ مولفه	<ul style="list-style-type: none"> • اهمیت آنچه به لحاظ سیاسی در کشور می گذرد • میزان دنبال کردن اخبار سیاسی روز توسط فرد • میزان مشارکت سیاسی فرد 	گرایش سیاسی

ضریب روایی	تعداد گویه ها	گویه ها	مولفه های هویت ملی
۰/۶۲	۵ مولفه	مولفه های پنج گانه هویت ملی	هویت ملی

جدول شماره ۲: ضریب روایی مؤلفه‌های هویت قومی

ضریب روایی	تعداد گویه‌ها	گویه‌ها	مؤلفه‌های هویت ملی
۰/۷۶	۶ گویه	<ul style="list-style-type: none"> - اهمیت یادگیری زبان ترکی از نظر فرد - ضرورت آموزش زبان ترکی در مدارس و دانشگاه‌ها - علاقه فرد به یادگیری زبان ترکی - آشنایی فرد با آثار مهم ادبیات ترکی - داشتن آثار فوق در منزل - میزان مطالعه آنها 	زبان و ادبیات ترکی
۰/۷۶	۴ گویه	<ul style="list-style-type: none"> - علاقه فرد به موسیقی ترکی - علاقه فرد به عاشیق‌ها به‌عنوان حافظان موسیقی سنتی - اهمیت دعوت از آنها در مراسم و اعیاد - میزان گوش دادن فرد به موسیقی سنتی 	موسیقی ترکی (آذری)
۰/۶۴	۴ گویه	<ul style="list-style-type: none"> - میزان اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی - اهمیت شناخت و آگاهی از تاریخ ترکان ابرانی - میزان افتخار به تاریخ قومی - میزان آشنایی با نمادهای قوم ترک 	تاریخ قومی
۰/۶۷	۴ گویه	<ul style="list-style-type: none"> - میزان علاقه فرد به ارتباط با هم‌زبانی‌های خود - میزان درون‌فکنی مشکلات ترک‌های ایران به‌عنوان مشکلات شخصی توسط فرد - اهمیت ترک بودن برای فرد - میزان احساس غرور فرد از ترک بودن خویش 	وابستگی قومی
۰/۸۶	۴ مؤلفه	مؤلفه‌های چهارگانه هویت قومی	هویت قومی

- به جز میزان گرایش به زبان و ادبیات فارسی که در حد ضعیف بود، چنانکه در جدول شماره ۳ نیز مشاهده می شود. میزان گرایش به دیگر مولفه های هویت ملی در حد قوی است و بیشترین درصد فراوانی ها پاسخ ها مربوط به بالاترین رتبه های گرایش (قوی و خیلی قوی) می باشد و این امر حاکی از شدت گرایش و علاقه و وفاداری پاسخگویان به هر یک از مولفه های هویت ملی است

- کمترین اختلاف نظر مربوط به گرایش سیاسی (با انحراف معیار ۱/۹۸) و بیشترین اختلاف نظر مربوط به وابستگی ملی (با انحراف معیار ۶/۲۱) می باشد. میانگین میزان هویت ملی پاسخ گویان ۱۲۷/۲۲ می باشد که با توجه به حداقل و حداکثر نمرات پاسخگویان در حد قوی است، ۸۲/۹ درصد از پاسخگویان گرایشی قوی و خیلی قوی (به ترتیب ۶۶/۷ و ۱۶/۲) به هویت ملی دارند و تنها یک درصد گرایش ضعیف به هویت ملی دارند و گرایش خیلی ضعیف بدان در صفر است.

گرایش سیاسی

وابستگی ملی

• **در کل پاسخگویان ارزیابی مثبتی از مولفه های هویت ملی دارند.** گرایش به هویت ملی آنان نیز با توجه به این مولفه ها قوی است. قوت میزان گرایش به هویت ملی نشان دهنده این است که جوانان تبریزی خود را به عنوان شهروند ایرانی می شناسند و هویت جامعه ای (ایرانی) بخش از هویت اجتماعی و شخصیت کلی آنان را تشکیل می دهد.

جدول شماره ۳: گرایش پاسخگویان به هویت ملی و مؤلفه‌های آن

مؤلفه‌های هویت ملی	میزان گرایش								
	خیلی قوی	قوی	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
زبان ملی (فارسی)	۴	۲۲/۱ ۲	۴۴/۵	۲۶/۴	۳	۱۲/۴۵	۲	۲۳	۳/۳۷
میراث فرهنگی	۳۹/۶	۴۱/۸	۱۳/۹	۳/۹	۰/۸	۲۹/۶۱	۱۲	۳۷	۴/۷۳
وابستگی ملی	۴۹/۴	۳۵/۳	۱۲/۸	۲/۲	۰/۳	۴۱/۲۵	۱۶	۵۱	۶/۲۱
گرایش دینی	۳۴/۱	۴۴	۱۶/۳	۴/۴	۰/۹	۳۴/۳۷	۱۲	۴۴	۶
گرایش سیاسی	۵/۸	۳۱	۴۹/۳	۱۱/۵	۲/۵	۹/۶۵	۳	۱۵	۱/۹۸
هویت ملی	۱۶/۲	۶۶/۷	۱۶/۲	۱	۰	۱۲/۲۲ ۷	۷۵	۱۵۴	۱۴/۱۲

۲-۳-آماره های توصیفی هویت قومی و مولفه های آن

- آماره های توصیفی هویت قومی و مولفه های آن در جدول شماره ۴ آمده است. میزان مولفه های هویت قومی نیز به خاطر خصلت ترکیبی بودن آنها (ترکیبی از گویه های مختلف) در سطح فاصله ای اندازه گیری شد اند. میانگین، حداقل، حداکثر و انحراف معیار پاسخ ها بر اساس این نمرات در جدول شماره ۴ آمده است و سپس برای ایجاد توانایی مقایسه بهتر و بیشتر خوانندگان، نمرات از سطوح فاصله ای به سطح رتبه ای تبدیل شده اند و در صد پاسخ گویان در هر یک از سطوح آمده است.

- میانگین گرایش به زبان و ادبیات قومی (ترکی) در بین پاسخ گویان در حدود ۱۸/۶۶ و در حد متوسط می باشد. حدود ۴۰/۳ درصد از پاسخ گویان گرایشی متوسط به این مولفه دارند. این در حالی است که ۳۵/۷ درصد پاسخ گویان گرایشی خیلی قوی و قوی (به ترتیب ۴/۴ و ۳۱/۳ درصد) و ۲۳/۹ درصد از آنان گرایشی خیلی ضعیف و ضعیف (به ترتیب ۴/۶ و ۱۹/۳ درصد) به این مولفه دارند.

گرایش به زبان و ادبیات قومی

- چنانکه گفته شد زبان یکی از مولفه های مهم هویت قومی آذری های ایران است و نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان گرایشی متوسط به این مولفه دارند. عدم قوی بودن گرایش جوانان تبریز به زبان و ادبیات ترکی احتمالاً به خاطر عدم آموزش آن زبان در نهادهای آموزشی رسمی و در نتیجه عدم آشنایی آن با ادبیات این زبان است. از طرف دیگر چنانکه دیدیم گرایش به زبان فارسی نیز در بین پاسخگویان ضعیف است. بنابراین ممکن است عامل دیگری نیز مانند گرایش به یک زبان بین المللی بر میزان گرایش جوانان به این مولفه ها تاثیرگذار باشد.

عدم آموزش آن زبان در نهادهای
آموزشی رسمی

- پاسخگوان در بین مولفه های هویت قوی به مولفه تاریخ قومی و اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی با حوادث تاریخی و قهرمانان و اسطوره ها و نمادهای ویژه، بیشترین گرایش را دارند. ۸۷/۹ درصد آنان گرایش قوی و خیلی قوی (به ترتیب ۳۵/۴ و ۵۲/۵) به تاریخ قومی دارند. در حالی که ۶/۳ درصد از پاسخگویان گرایش ضعیف به این مولفه دارند و هیچ نمونه ای پرایش خیلی ضعیف به ان ندارند. این میزان نشان از آگاهی تاریخی پاسخگویان است.

آگاهی تاریخی

- گرایش به وابستگی قومی و علاقه به هم قومی های دیگر و احساس غرور از ترک بودن نیز در بین پاسخگویان در حد قوی می باشد و حدود ۷۵/۲ درصد پاسخ گویان گرایش قوی و خیلی قوی (به ترتیب ۲۹/۴ و ۴۵/۸ درصد) دارند.
- میانگین میزان هویت قومی در بین پاسخگویان ۶۰/۸۶ می باشد که با توجه به حداقل و حداکثر نمرات این گرایش در حد قوی است.

گرایش به وابستگی قومی

- نتایج رتبه ای حاکی از آن است که ۷۸/۱ درصد از پاسخگویان گرایش متوسط تا قوی (به ترتیب ۳۶/۶ و ۴۱/۵ درصد) به هویت قومی دارند و تنها ۱۰ درصد در حد خیلی زیاد و ۰/۹ درصد در حد خیلی کم به هویت قومی گرایش دارند.
- نتایج توصیفی نشانگر این است که پاسخ گویان هم به هویت ملی و هم به هویت قومی گرایش قوی دارند، هر چند که میزان این گرایش به مولفه های مختلف آن متفاوت است. به عبارت دیگر جوانان تبریزی این دو نوع هویت جمعی را **در خود درونی کرده** و به هر دوی آنها احساس تعلق خاطر و پایبندی دارند.

جدول شماره ۴ : گرایش پاسخگویان به هویت قومی و مؤلفه‌های آن

آماره‌های مؤلفه‌های هویت قومی				میزان گرایش					مؤلفه‌های هویت قومی
انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۴/۸۶	۳۲	۶	۱۸/۶۶	۴/۶	۱۹/۳	۴۰/۳	۳۱/۳	۴/۴	زبان قومی (ترکی)
۴/۴۲	۲۰	۴	۱۲/۹۷	۱۳/۱	۱۶	۲۴/۹	۲۰/۹	۲۵/۱	موسیقی ترکی
۲/۳۱	۱۶	۶	۱۳/۳۳	۰	۳/۶	۸/۵	۳۵/۴	۵۲/۵	تاریخ قومی
۳/۲۶	۲۰	۴	۱۵/۷۱	۱/۱	۵/۹	۱۸	۲۹/۴	۴۵/۸	وابستگی قومی
۱۱/۵۷	۸۸	۲۴	۶۰/۸۶	۰/۹	۱۰/۷	۳۶/۶	۴۱/۵	۱۰/۴	هویت قومی

۳-۳ رابطه هویت ملی با متغیرهای شناسایی

- جدول شماره ۵ و ۶ نتایج آزمون تفاوت میانگین هویت ملی بر اساس متغیرهای شناسایی (جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، نوع اشتغال و سطح سواد) را نشان می دهد. از نتایج جدول شماره ۵ چنین بر می آید که گرایش به هویت ملی در بین زنان بیشتر از مردان است. چنان که می بینیم میانگین هویت ملی در بین ۱۲۸ نفر پاسخ گوی زن ۱۳۰/۳۳ است در حالی که این میزان در بین ۱۷۸ نفر پاسخ گوی مرد ۱۲۵/۱۶ می باشد. این تفاوت میانگین با توه به سطح معنی داری به دست آمده و سطح معنی داری مورد نظر در علوم اجتماعی (Alpha=0/05) معنی دار است.

- همچنین **میانگین هویت ملی متاهلین و مجردین نیز متفاوت می باشد**. این میزان در بین ۲۴۰ نفر مجرد، ۱۲۵/۳۷ می باشد در حالی که در بین ۷۶ نفر متاهل ۱۳۲/۲۸ است. این میزان تفاوت نیز معنی دار بوده و گرایش زیاد متاهلین به هویت ملی را نسبت به مجردین نشان می دهد.

• انتظار می‌رسد که بین وضعیت شغلی، نوع شغل و سطح سواد و میزان گرایش به هویت ملی نیز رابطه معنی‌داری موجود باشد، اما واقعیتهای خلاف آن را به اثبات رساند. بدین معنی که بین سه متغیر فوق و میزان گرایش به هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود نداشت و میانگین‌های پاسخگویان با توجه به خصوصیات فوق تفاوت معنی‌داری را نشان نداد.

جدول شماره ۵: آماره‌های هویت ملی به تفکیک جنسیت، تأهل و اشتغال

متغیر مستقل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
جنسیت	مرد	۱۷۸	۱۲۵/۱۶	۱۶/۰۶	۳/۱۸	۳۰۹/۵۳	۰/۰۰
	زن	۱۲۸	۱۳۰/۲۳	۱۲/۲۰			
تأهل	متأهل	۲۴۰	۱۲۵/۳۷	۱۵/۳۷	-۴/۰۲	۱۰۸/۰۸	۰/۰۰
	مجرد	۷۳	۱۳۲/۲۸	۱۱/۳۳			
اشتغال	شاغل	۷۶	۱۲۸/۴۰	۱۴/۹۴	-۰/۶۸۷	۳۱۰	۰/۴۶۱
	غیر شاغل	۲۳۶	۱۲۶/۹۶	۱۴/۸۱			

جدول شماره ۶ : آماره‌های هویت ملی به تفکیک سطح سواد و نوع شغل

F	کمیت f	میانگین مجدورات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	منبع تغییرات	متغیر
۰/۵۷۹	۰/۷۲۰	۱۵۳/۶۸	۶۱۴/۷۳	۴	میان‌گروهی	سطح سواد
		۲۱۳/۵۸	۶۰۲۳۰/۲۵	۲۸۲	درون‌گروهی	
		-	۶۰۸۴۴/۹۹	۲۸۶	کل	
۰/۱۰۶	۱/۹۸	۴۲۶/۲۲	۱۷۰۴/۸	۴	میان‌گروهی	نوع شغل
		۲۱۴/۴۸	۱۴۷۹۹/۶	۶۹	درون‌گروهی	
		-	۱۶۵۰۴/۵	۷۳	کل	

۳-۴ رابطه هویت قومی با متغیرهای شناسایی

- جداول شماره ۷ و ۸ آزمون تفاوت میانگین هویت قومی بر اساس وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، نوع شغل و سطح سواد را نشان میدهد. چنانکه در جداول نیز مشاهده می شود. **دو متغیر جنسیت و وضعیت اشتغال** در میانگین گرایش به هویت قومی تاثیر معنی داری دارند.
- از نتایج جدول شماره ۷ چنین بر می آید که گرایش به هویت قومی در بین مردان بیشتر از زنان است. چنان که می بینیم میانگین هویت قومی در بین ۲۰۳ نفر پاسخگوی مرد ۶۲/۳۷ است در حالی که این میزان در بین ۱۴۴ نفر پاسخگوی زن ۵۸/۸۸ می باشد. با مقایسه جداول شماره ۵ و ۷ در این مورد می بینیم که مردان بیشتر به هویت قومی گرایش دارند در حالی که زنان به هویت ملی گرایش بیشتری دارند.

- میانگین هویت قومی در بین شاغلین که تعداد آنها ۸۰ نفر است به ۶۴/۲۸ می رسد در حالی که این میانگین در بین ۲۶۴ نفر غیر شاغل ۵۹/۸۹ است. بنابراین میانگین هویت قومی در بین شاغلین بیشتر از غیر شاغلین می باشد. وضعیت اشتغال در میزان گرایش به هویت ملی تاثیر معنی داری نداشته اما در میزان گرایش به هویت قومی تاثیر معنی داری دارد. بین وضعیتی تاهل، سطح سواد و نوع شغل و میزان گرایش به هویت قومی تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

جدول شماره ۷: آماره‌های هویت قومی به تفکیک جنسیت، تأهل و اشتغال

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	T	اشتباه معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیر مستقل	
۰	۳۴۵	-۲/۷۰۷	۰/۸۱۷	۱۱/۶۳	۶۲/۲۷	۲۰۳	مرد	جنسیت
			۰/۹۳۵	۱۱/۲۲	۵۸/۸۸	۱۴۴	زن	
۰/۰۷	۱۶۴/۲۳	-۱/۸۰	۰/۷۴۳	۱۲/۰۸	۶۰/۳۲	۲۶۴	متاهل	تاهل
			۱/۰۷	۹/۶۳	۶۲/۶۷	۸۱	مجرد	
۰	۳۴۲	-۳/۰۰	۱/۱۸	۱۰/۵۸	۶۴/۲۸	۸۰	شاغل	اشتغال
			۰/۷۲	۱۱/۷۰	۵۹/۸۹	۲۶۴	غیر شاغل	

جدول شماره ۸: اماره‌های هویت قومی به تفکیک سطح سواد و نوع شغل

متغیر	منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	کمیت f	احتمال معنی‌داری F
سطح سواد	میان‌گروهی	۴	۱۱۶۵/۳۱	۲۹۱/۳۲	۲/۲۹	۰/۰۶
	درون‌گروهی	۳۱۱	۳۹۴۵۵/۵	۱۲۶/۸۶		
	کل	۳۱۵	۴۰۶۲۰/۸	-		
نوع شغل	میان‌گروهی	۴	۴۲۷/۹۱	۱۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۴۴۹
	درون‌گروهی	۷۳	۸۳۵۸/۹	۱۱۴/۵۰		
	کل	۷۷	۸۷۸۶/۸	-		

- جدول شماره ۹ روابط مولفه های هویت ملی و قوی با همدیگر را نشان می دهد از آن جایی که تمام مولفه های فوق در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند، مناسبت ترین آزمون آماری برای بررسی ارتباط بین آنها آزمون ضریب همبستگی پیرسون می باشد.

- نتایج جدول مذکور حاکی از آن است که بین میزان گرایش به زبان و ادبیات قومی و همچنین گرایش به تاریخ قومی و میزان هویت ملی پاسخگویان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی با افزایش میزان گرایش به زبان و ادبیات ترکی و تاریخ قومی، میزان گرایش به هویت ملی نیز افزایش می یابد. اما بین گرایش به موسیقی قومی (آذری) و وابستگی قومی و میزان گرایش به هویت ملی رابطه معنی داری وجود ندارد.

- زبان و تاریخ قومی از مولفه های اساسی قومی جوانان تبریز محسوب می شود، نتایج نشان می دهد با آنکه گرایش به این دو مولفه در بین پاسخگویان در حد قوی است اما در مقابل هویت ملی قرار نمی گیرد. بنابراین آنان به احتمال زیاد این نوع عناصر هویتی را در سطحی پایین تر از لایه ملی یعنی در سطح لایه قومی و مقایسه با قاوام دیگر ایرانی برجسته می کنند.

عناصر هویتی

۳-۶ رابطه مولفه های هویت ملی با هویت قومی

- نتایج جدول شماره ۹ نشان می دهد که بین گرایش به زبان فارسی و وابستگی ملی و میزان هویت قومی رابطه معنی داری وجود ندارد. اما بین گرایش به میراث فرهنگ ملی، گرایش دینی و گرایش سیاسی افراد با میزان هویت قومی آنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و هر چه بر میزان گرایشات پاسخ گویان به مولفه های فوق افزوده می شود، گرایش به هویت قومی نیز افزایش می یابد. از آن جا که عناصر خصوصیات و دارای های مشترک تمام ایرانیان محسوب می شوند. این خصوصیات در کل باعث احساس غرور همه آنان می شوند و افتخارات آنها برای تمام ایرانیان است نه به قوم یا اقوامی خاص. بنابراین در مقابل هویت قومی قرار نمی گیرند. نتایج تحقیق حاضر نیز علاوه بر این که نشان گر این قضیه است. نتایج مثبت برخی از آن مولفه ها را بر هویت قومی نشان می دهد.

۷-۳ رابطه بین مولفه های هویت ملی و مولفه های هویت قومی

- جدول شماره ۹ اطلاعات مربوط به ضرایب همبستگی مولفه های هویت ملی و قومی را به نمایش می گذارد. در اینجا به تفسیر خلاصه جدول فوق می پردازیم.
- چنانکه مشاهده می کنیم بین زبان و ادبیات ملی و مولفه های هویت قومی تنها یک همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد و آن رابطه این متغیر با زبان و ادبیات قومی است که رابطه ای مثبت ولی ضعیف $R=0/130$ می باشد. بین زبان و ادبیات ملی و وابستگی قومی نیز رابطه منفی و ضعیف معنی داری وجود دارد. بین مولفه های میراث فرهنگی ملی و تمامی مولفه های هویت قومی همبستگی مثبت و ضعیف معنی داری وجود دارد. میزان همبستگی میراث فرهنگی ملی با زبان و ادبیات قومی $0/191$ و موسیقی قومی $0/134$ ، تاریخ قومی $0/272$ و وابستگی قومی $0/158$ می باشد. بین وابستگی ملی و مولفه های هویت قومی نیز تنها یک مورد معنی دار وجود دارد و آن هم همبستگی بین وابستگی ملی و تاریخ قومی است که یک رابطه مثبت اما ضعیفی بین این دو متغیر وجود دارد. بین نگرش دینی و مولفه های هویت قومی رابطه معنی داری مشاهده نشد.

- بین‌نگرش سیاسی و مولفه‌های فوییت قومی سه مورد معنی‌دار وجود دارد. بین‌نگرش سیاسی و زبان و ادبیات قومی، تاریخ قومی و وابستگی قومی رابطه مثبت و ضعیف معنی‌داری وجود دارد. میزان این رابطه برای هر کدام از مولفه‌های فوق به ترتیب ۰/۱۴۷، ۰/۱۷۰ و ۰/۱۰۹ می‌باشد.

نگرش سیاسی و مولفه‌های فوییت قومی

• بررسی روابط بین مولفه های هویت ملی و مولفه های هویت قومی نشان می دهد که بین این مولفه ها نیز رابطه منفی وجود ندارد و تنها یک مورد رابطه منفی هست، آن هم رابطه زبان و ادبیات ملی و وابستگی قومی است که میزان این رابطه بسیار ضعیف می باشد. از این بررسی نیز می توان به این نتیجه رسید که **افراد بین هویت ملی و قومی خودشان تناقض درک نمی کنند** و این قضیه در مورد آن مولفه هایی نیز صادق است که افراد به وسیله آنها به تشابهات و تفاوت های درون گروهی و برون گروهی در دو لایه مختلف اجتماعی (لایه ملی و لایه جامعه قومی) پی می برند.

۸-۳- رابطه هویت ملی با هویت قومی

- یافته های تحقیق حاکی از آن است که در بین ۳۵۰ نفر از پاسخ گویانی که دارای پاسخ های معتبر هستند . ضریب همبستگی بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی با سطح معنی داری $\text{Alpha}=0/00$ برابر با $R=0/161$ محاسبه شده است. بنابراین بین میزان هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. هر چند شدت این رابطه ضعیف است.

• در کل از بررسی روابط هویت ملی و مولفه هایش با هویت قومی و مولفه های آن به این نتیجه می رسیم که با افزایش هویت قومی، میزان هویت ملی نیز افزایش می یابد و برعکس با افزایش میزان هویت ملی بر میزان گرایش به هویت قومی افزوده می شود. چنان که قبلا نیز اشاره شد فرد در طی فرایند جامعه پذیری هویت های جمعی گوناگونی را تجربه می کند. هویت ملی و هویت قومی دو نوع هویت جمعی هستند که فرد آنها را درونی می کند. او بین هویت هایی که درونی کرده است، تناقضی احساس نمی کند، بلکه از آنها به عنوان بسته های اطلاعاتی در موقعیت های کنشی مقتضی سود می جوید.

فرایند جامعه پذیری

جدول شماره 4 - همبستگی مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی

هویت قومی	زبان قومی	هویت ملی	گرایش دینی	گرایش سیاسی	وابستگی ملی	میراث فرهنگی	زبان ملی	زبان ملی
							۱ ۳۷۱	زبان ملی
						۱ ۳۷۱	۰/۳۳۹ ۰/۳۰۰ ۳۰۰	میراث فرهنگی ملی
					۱ ۳۷۱	۰/۳۰۷ ۳۷۱	۰/۳۰۸ ۰/۳۰۰ ۳۰۰	وابستگی ملی
				۱ ۳۷۱	۰/۳۰۸ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۳۱ ۳۳۱ ۳۳۱	۰/۳۳۰ ۳۳۰ ۳۳۰	گرایش سیاسی
			۱ ۳۷۱	۰/۳۰۸ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۸ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	گرایش دینی
		۱ ۳۷۱	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	هویت ملی
	۱ ۳۷۱	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	زبان قومی
۱ ۳۷۱	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	میراث قومی
۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	تاریخ قومی
۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	وابستگی قومی
۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۸ ۳۰۸ ۳۰۸	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۷ ۳۰۷ ۳۰۷	۰/۳۰۳ ۳۰۳ ۳۰۳	۰/۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰	هویت قومی

نتیجه گیری

- نتایج نظری این تحقیق در دو بخش قابل بررسی می باشد، نتایج تحقیق در مورد تئوری هویت اجتماعی و نیز رابطه هویت های گوناگون فرد با همدیگر به طور عام و رابطه هویت قومی یک فرد با همدیگر به طور خاص. نتایج تحقیق در مورد تئوری هویت اجتماعی، این دیدگاه نظریه پردازان هویت اجتماعی را که افراد در طی فرایند جامعه پذیری از طریق شناخت یک سری تشابهات درون گروهی و تفاوت های برون گروهی به هویت اجتماعی دست پیدا می کنند، اثبات می کنند.

Conclusion



- همچنین افراد با پی بردن و شناختن هویت اجتماعی خویش، از یک طرف از تشابهاتی که باعث ایجاد درون گروه یا «ما» ف در یک لایه اجتماعی خاص می شود، ارزیابی مثبتی می کنند و از طرف دیگر نسبت به افراد درون گروهی **نگاه جانبدارانه ای** دارند. این بررسی ثابت کرد که افراد قادرند هویت های اجتماعی زیادی را درونی کنند و به همین علت موقعیت های کنشی مختلف دارای «تصور از خود» متفاوتی هستند. درونی کردن هویت های گوناگون اجتماعی، انعطاف پذیری رفتاری افراد را در موقعیت های کنشی مختلف و محیط های اجتماعی محتف بیشتر می کند.

درونی کردن هویت های گوناگون

• افراد از هویت های اجتماعی گوناگون به عنوان بسته های اطلاعاتی، در موقعیت مقتضی سود می جویند. به عبارت دیگر افراد دارای نوعی استراتژی های هویتی هستند و در هر موقعیتی از استراتژی های هویتی مخصوص به آن استفاده می کنند و به همین علت است که فرد هم یک ترک زبان متعصب است و هم ایرانی، در عین هم رشته بودن با همکلاسی اش برخلاف او سنی مذهب است و عضو حزبی غیر از حزب هم کلوبی هایش می باشد.

نوعی استراتژی های هویتی

- در مورد رابطه هویت ملی و قومی، این تحقیق نشان داد که جوانان تبریز دارای گرایشی قوی به هویت ملی هستند و در عین حال به هویت قومی نیز گرایش دارند. این بررسی ثابت کرد که بیافزوده می شود. بنابراین دو نوع هویت جمعی ملی قومی نه در مقابل هم بلکه در کنار هم قرار دارند. **بین هویت ملی و هویت قومی نه تنها رابطه منفی وجود ندارد. بلکه رابطه مثبتی بین این دو نوع هویت جمعی وجود دارد و با افزایش میزان هویت قومی بر میزان گرایش افراد به هویت ملی**

- چنان که از مباحث نظری و یافت های تحقیق بر می آید، هویت ملی و هویت قومی رابطه معکوس نسبت به یکدیگر ندارند، در نتیجه برنامه ریزی و سیاست گذاری در جهت همانند سازی نقشی در هویت ملی نخواهد داشت بلکه توجه و عنایت به حقوق اقوام و صیانت از هویت قومی آنان میزان هویت ملی آنان را نیز افزایش می دهد و رضایتمندی بیشتر اقوام را موجب می شود.

همانند سازی